

The Relationship between State and Ethics in the Doctrine of Professor Naser Katouzian

Omid Shirzad *

Assistant Professor, Public Law, Yazd University, Yazd,
Iran

Abstract

Relations between state and ethics or religion is one of the important subjects in political philosophy and public law and there are several approaches about it. In this meantime, Professor Naser Katouzian refers to three kind of Relations between state and ethics or religion and points out the theory of stipulated state to ethics, state that is beside of ethics or religion and the governor state on ethics or religion. This paper has considered the doctrine of professor Katouzian and with utilization from other sources in public and constitutional law, has completed this issue. The author has considered the concepts of perfectionist and neutral state as related concepts to stipulated state to ethics, state that is beside of ethics or religion and with conceptual analysis about them, has remarked the necessity of obstruction the line from perfectionism to despotism.

Naser Katouzian is undoubtedly one of the most influential figures of Iranian law in the contemporary era. An unforgettable and moral teacher whose works and school of thought every professor and student of law in Iran is indebted to and rereading his doctrine can be considered a solution to most legal problems of the society. Despite the professor's specialized entry into private and civil law and dedicating the major part of his works to this field, his concern about the relationship between the state and the nation and public law had him write in this important field and take part in preparing the draft of the Constitution of the Islamic Republic of Iran and setting up the foundations of Iran's political-legal system.

In this article, the author has turned to one of the important views of Professor Naser Katouzian regarding the relationship between the government, ethics, and religion and tries to evaluate the professor's doctrine in this field as much as possible. Reexamining this point of view was not only necessary at the beginning of the Islamic revolution, but also nowadays.

* Corresponding Author: shirzad@yazd.ac.ir

How to Cite: Shirzad, O, (2023), "The Relationship between State and Ethics in the Doctrine of Professor Naser Katouzian", The Quarterly Journal of Public Law Research, 24(78), 255-287. doi: 10.22054/QJPL.2022.66050.2736

It can be very effective in explaining the foundations of the Islamic Republic of Iran's constitution and governing political system. Therefore, the main Point of this research is the relationship between state, ethics, and religion in the thinking of Professor Naser Katouzian and formats and forms in which this relationship will appear.

In analyzing the relationship between the state, ethics, and religion and in a basic classification, Katouzian points to the state that is bounded to ethics and religion, the state that is beside ethics and religion and is neutral, and the state that rules on ethics and religion. The professor considered religious governments, such as Islamic or Christian governments, as examples of the states that are bounded to a certain religion and considers the constitution of the Islamic Republic of Iran and some of its fundamental principles, such as Article IV, as the pledge that has bounded the state to a certain religion and ethics.

In the second category, he refers to the governments that are beside ethics and religion and are neutral. In these states, the government is separated from any common philosophical and religious beliefs among the people and ethics, and religion has a personal and private feature next to the government and is ineffective in policymaking and legislation.

In the third category, professor Katouzian points to the states that rule on ethics and religion in which the government takes an authoritarian approach. The government has the authority to validate and create rights, good, and even morality and it is under the government's will that the moral progress and evolution of citizens is pursued.

This paper considers the doctrine of Professor Katouzian and by looking at other sources in public and constitutional law, has developed this issue. The author has considered the concepts of perfectionist and neutral states as related concepts to states that are bound to ethics and states that are beside ethics or religion and by conceptual analysis of them has remarked the necessity of preventing the progression of perfectionism to despotism. Professor Katouzian's concern about the pure sovereignty of the government over the right and good is commendable in the author's view. This research intends to talk about the limitations and restraints of the government's power and its lack of sovereignty over the rights and morals with reference to the professor's doctrine.


Professor Katouzian criticizes authoritarian governments that rule on ethics and religion and in practice, examples of these outlooks in government such as Nazism and fascism have left bitter experiences for humanity and history. consequently, the author expresses his concern about the transition from perfectionism to authoritarianism and considers understanding the basis of modern public law as the mechanism to prevent this transition.

Therefore, the legal system in a government that is bounded to ethics and religion must recognize and guarantee the values of the public such as

the rule of law, separation of powers, accountability, supervision and balance, transparency, fundamental rights and freedoms for the citizens, etc. In this way, It will help to spread morality in the society. we propose that the achievement of a virtuous society is directly linked with good governance, correct management of public resources and their optimal allocation to public needs, and efficient management of conflict of interests among members of the political society. These will give the citizens the opportunity to live a dignified life and the opportunity to think about moral virtues and the meaning of life and will reduce immorality and vices in society.

Keywords: Professor Naser Katouzian, State, Ethics, Perfectionism, Neutrality.

مناسبات دولت و اخلاق در اندیشه استاد ناصر کاتوزیان

امید شیرزاد*  | استادیار حقوق عمومی دانشگاه یزد، یزد، ایران

چکیده

مناسبات میان دولت، اخلاق و مذهب از موضوعات مهم و قابل تأملی است که در فلسفه سیاسی و حقوق عمومی راجع به آن دیدگاه‌ها و رویکردهای متعددی ابراز شده است. در این میان مرحوم استاد ناصر کاتوزیان به مناسبات سه‌گانه‌ای میان دولت و اخلاق اشاره دارند و از دولت مقید به اخلاق، دولت در کنار اخلاق و دولت حاکم بر اخلاق یاد کرده‌اند. این نوشتار با روش تحقیق توصیفی-تحلیلی به تبیین و بازخوانی دکترین استاد در این زمینه پرداخته و تلاش نموده با بهره‌مندی از دیگر منابع حقوق عمومی و اساسی، به تکمیل این موضوع بپردازد. نگارنده، دولت کمال‌گرا و دولت بی‌طرف را مفاهیمی نزدیک به دولت مقید به اخلاق و دولت در کنار اخلاق تلقی کرده و ضمن تحلیل مفهومی آنها، از ضرورت انسداد مسیر کمال‌گرایی به اقتدارگرایی و حاکم شدن دولت بر حق و اخلاق، سخن به میان آورده است.

واژگان کلیدی: استاد ناصر کاتوزیان، دولت، اخلاق، کمال‌گرایی، بی‌طرفی.

مقدمه

بدون شک یکی از شخصیت‌های تأثیرگذار حقوق ایران در دوران معاصر، مرحوم استاد دکتر ناصر کاتوزیان است. معلمی ماندگار، متین و اخلاقی که حقیقتاً تمام اساتید و دانشجویان امروز حقوق در ایران وامدار آثار و اندیشه‌های ایشان هستند^۱ و بازخوانی تفکر وی می‌تواند بعنوان دکتربینی راهگشا، رافع معضلات حقوقی جامعه قلمداد شود. علی‌رغم ورود تخصصی استاد به حقوق خصوصی و مدنی و اختصاص بخش عمده آثار ایشان به این حوزه، دغدغه خاطر وی در باب مناسبات دولت و ملت و حقوق عمومی موجب شد تا در این حوزه خطیر نیز قلم‌زنند و در مقام عمل و در صدر انقلاب اسلامی نیز در تهیه پیش‌نویس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و ترسیم مبانی نظام سیاسی - حقوقی نوین

۱. نگارنده ضمن مطالعه زندگی‌نامه مرحوم استاد ناصر کاتوزیان، با ابراز ارادت‌های متعددی از ناحیه استادان حقوق ایران به ایشان مواجه گردید. از جمله شعر زیبایی که مرحوم دکتر ابوالفضل قاضی شریعت‌پناهی استاد حقوق اساسی به مناسبت بازگشت مرحوم دکتر کاتوزیان به دانشگاه و در رسای ایشان سروده‌اند و ذکر شماری از ابیات آن، خالی از لطف نیست:

به صحن علم و دانش، نوبهاران در خزان آمد
نوای بلبلِ دستانسرا از بوستان آمد
من از نجوای مرغانِ چمن این راز دانستم
که در سرما گل آمد، سنبل آمد، ارغوان آمد
بگو با جمع برنایان شیدای سر کویش
که استاد مسلم حضرت کاتوزیان آمد
شهید آمد، مفید آمد، صدوق آمد، صدیق آمد
کلینی همه علامه با صد ارمان آمد
به تألیف دل یاران و تنبیه ستمکاران
همین ابیات بر احوال قاضی ترجمان آمد
به نقل از :

کشور اهتمام ورزند. گرچه استاد، متواضعانه خود را در این حوزه صاحب نظر قلمداد نمی‌کردند و در مقدمه کتاب ارزشمند «مبانی حقوق عمومی»^۱ به نقل از ایشان می‌خوانیم: «هنگام نوشتن کتاب، حال خود را همانند بازیکنی می‌دیدم که در محل معتاد خود توپ نمی‌زند؛ ولی با استفاده از تمام توان و تجربه خود می‌کوشد تا راه رسیدن به دروازه عدالت را برای دیگران بگشاید یا همچون سربازی که به فرمان عدالت، در رده تازه‌ای می‌جنگد و عشق و تلاش را وسیله جبران کمبود مهارت‌های خود می‌کند»^۲.

در این مقاله، نویسنده یکی از دیدگاه‌های مهم استاد ناصر کاتوزیان در باب نسبت دولت و اخلاق و مذهب را مد نظر قرار داده و می‌کوشد در حد بضاعت به ارزیابی دکتربین استاد در این حوزه بپردازد. بازخوانی این دیدگاه نه فقط در صدر انقلاب اسلامی بلکه در حال حاضر نیز ضرورت دارد و به‌زعم نگارنده می‌تواند در تبیین بنیان‌های قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و نظام حکمرانی مؤثر واقع شود. لذا عبارت «دولت و اخلاق و مذهب در اندیشه استاد ناصر کاتوزیان دارای چه مناسباتی هستند و این نسبت در چه قالب‌ها و اشکالی بروز می‌یابد؟؟؟» پرسش اصلی تحقیق به شمار می‌رود.

استاد کاتوزیان در اثر ارزشمند خود با عنوان «مبانی حقوق عمومی»، پس از بحث و استدلال و تحلیل منابع مختلف، اقتدار و حاکمیت دولت را نه «حق» بلکه نتیجه زیست اجتماعی انسان‌ها و ضرورت مدیریت امور عمومی و ارائه خدمات عمومی قلمداد می‌کند

۱. استاد کاتوزیان در ارزیابی آثار و تألیفات خود، دوره سه جلدی «فلسفه حقوق» را ارزشمندترین اثر و کتاب «مبانی حقوق عمومی» را از کتب بسیار خاطره‌انگیز خود تلقی کرده و بیان داشته‌اند: «رشته اصلی کار من در حقوق خصوصی است؛ اما چند سال پیش مرحوم دکتر قاضی و اعضای گروه عمومی به من رجوع کردند و گفتند ما درسی داریم به نام مبانی حقوق عمومی (که بیشتر جنبه فلسفی دارد و وقتی از مبانی صحبت می‌شود سخن بر سر پایه‌هاست) و از آنجایی که ما مطالعات فلسفی نداریم از شما می‌خواهیم که کتابی در این رابطه بنویسید. این کتاب اکنون در دانشکده‌های مختلف درس داده می‌شود. گوشه‌ای از خاطرات و مقالات زمان انقلاب نیز در آن گنجانده شده که در کنار مطالب علمی به چاپ رسیده است.»

به نقل از:

Ibid. at 50-51.

2. Naser, Katouzian, *The Foundations of Public Law*, Third Edition (Tehran: Mizan Publication, 2007) at 6.

و بر این اساس از شهروند محق و دولت متعهد بعنوان امین و نماینده مردم سخن به میان می‌آورد. این ایده، ایده‌ای اخلاقی است که با پذیرش قرارداد اجتماعی بعنوان عامل مؤسس دولت، از حق طبیعی شهروند در تعیین سرنوشت سیاسی-اجتماعی خویش دفاع می‌کند. وی بر این اساس به تحلیل رابطه و مناسبات میان دولت و اخلاق و مذهب می‌پردازد و در یک دسته‌بندی بنیادین، از دولت مقید به اخلاق و مذهب؛ دولت در کنار اخلاق و مذهب و دولت حاکم بر اخلاق یاد می‌کند.^۱ استاد، حکومت‌های دینی همچون حکومت اسلامی یا مسیحی را از مصادیق دولت‌های مقید و تابع اخلاق یا مذهب خاص دانسته و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و برخی اصول بنیادین آن نظیر اصل چهارم^۲ را میثاقی تلقی می‌کند که مؤسس دولت مقید به اخلاق یا مذهب است.

در دسته‌بندی دوم، به دولت‌های در کنار اخلاق یا مذهب اشاره دارند که در آنها دولت از هر جریان فلسفی و اعتقادی شایع میان مردم جداست و اخلاق و مذهب در کنار دولت چهره شخصی و خصوصی می‌گیرد و در سیاست‌گذاری‌ها بی‌اثر است.

در دسته‌بندی سوم، استاد به دولت‌های حاکم بر اخلاق می‌پردازد که دولت در آنها در رویکردی اقتدارگرایانه، مرجع تشخیص و خلق و شناسایی «حق» و حتی اخلاق و امر خوب است و در سایه نظم و اراده دولت است که حق و تکلیف بوجود می‌آید و پیشرفت و تکامل اخلاقی شهروند حاصل می‌شود.

مقاله تلاش می‌کند مناسبات سه‌گانه دولت با اخلاق و مذهب را مبتنی بر اندیشه استاد کاتوزیان بر اساس روش تحقیق توصیفی-تحلیلی و گردآوری اطلاعات به شیوه کتابخانه‌ای واکاوی و تحلیل نماید و بر ضرورت جلوگیری از حاکم شدن دولت بر حق و اخلاق و مذهب تأکید ورزد. به دیگر سخن، دغدغه استاد کاتوزیان در عدم هنجارسازی و حاکمیت محض دولت بر حق و اخلاق، قابل ستایش و تأمل است و نوشتار بنا دارد با

1. Ibid. at 58-60.

۲. اصل چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: «کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر این‌ها باید بر اساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر بر عهده فقهای شورای نگهبان است.»

استمداد از اندیشه استاد، در باب محدودیت و مهار قدرت دولت و عدم حاکمیت آن بر حق و اخلاق سخن گوید.

مقاله از حیث ساختار در چهار بخش کلی تنظیم گردیده است. در بخش نخست، از دولت مقید به اخلاق و مذهب سخن به میان خواهد آمد و دولت کمال‌گرا بعنوان مفهومی نزدیک به دولت مقید به اخلاق یا مذهب مورد تحلیل مفهومی قرار خواهد گرفت. در بخش دوم، دولت در کنار اخلاق یا مذهب و نظریه بی‌طرفی دولت و در بخش سوم، دولت حاکم بر اخلاق یا مذهب مورد بررسی قرار خواهند گرفت. در بخش پایانی، ضمن آسیب‌شناسی نظریه دولت حاکم بر اخلاق، از ضرورت انسداد مسیر کمال‌گرایی به اقتدار‌گرایی گفته خواهد شد.

۱. دولت مقید به اخلاق یا مذهب

مرحوم کاتوزیان در دسته‌بندی نخست خود از مناسبات دولت با اخلاق یا مذهب، از دولت مقید به اخلاق یا مذهب یاد می‌کند. در این گروه، دولت‌هایی قرار می‌گیرند که خود را مقید و تابع اخلاق یا مذهبی خاص می‌دانند مانند حکومت اسلامی یا مسیحی.^۱ دولت‌های مقید به اخلاق یا مذهب، بر اساس انسان‌شناسی و هستی‌شناسی ویژه‌ای، خود را مقید و تابع مکتب اخلاقی یا مذهبی خاص قرار می‌دهند. از منظر هستی‌شناسی بویژه در دولت اسلامی، خداوند متعال بر جهان و انسان حاکمیت مطلق دارد^۲ و این جهان‌بینی اقتضاء می‌کند ابعاد حیات فردی و اجتماعی انسان، مطابق با احکام الهی اداره گردد. از این منظر وجود رابطه خالق و مخلوق میان خدا و انسان، تبعیت مخلوق از اراده خالق را می‌طلبد و خداوند متعال با اشراف به ویژگی‌ها، نیازها و مطالبات، استعدادها و ساحات مادی و معنوی آدمی، برنامه‌ها و دستورالعمل‌هایی را در قالب منابع دینی به انسان عرضه می‌دارد.

1. Ibid., at 58.

۲. *إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ أَمَرَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ* (یوسف/۴۰).
وَأَسْمِعْ مَا لَهُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا يُشْرِكُ فِي حُكْمِهِ أَحَدًا (کهف/۲۶) - *فَالْحُكْمُ لِلَّهِ الْعَلِيِّ الْكَبِيرِ* (مؤمن/۱۲)

از حیث انسان‌شناسی، انسان در این رویکرد موجودی خودبسنده، مختار محض و دارای استقلال تام نیست و قلمرو عقل وی در تمشیت امور دنیوی فراخ و حداکثری انگاشته نمی‌شود. بر این اساس خداوند همواره از طریق پیامبران و اولیای خود، برنامه بهزیستی انسان را به وی ارائه نموده است. از این منظر، عقل آدمی به تنهایی قادر به شناخت نیازهای روحی و متعالی خود و تأمین آنها نیست و از این رو به راهنما نیاز دارد. راهنمایی را باید کسی انجام دهد که شناخت کامل به نیازها و خوشبختی انسان دارد و چنین کسی تنها خداوند متعال است که از راه ارسال پیامبران و تشریح دین، این لطف را در حق بندگان خویش روا می‌دارد.^۱ در زمان حضور نبی و معصوم (ع)، مجریان اصلح احکام شرع، آن بزرگواران هستند. در عصر غیبت نیز بنا بر منطبق یادشده و ادله نقلی مربوط به ولایت فقیه^۲، فقیه جامع الشرائط صلاحیت اداره امور عمومی جامعه اسلامی را برعهده دارد.

بنابراین در رویکرد دولت مقید به اخلاق یا مذهب، دولت؛ نهاد مجری احکام شریعت قلمداد می‌شود و رسالت و اهداف شریعت نیز صرفاً با بیان تعالیم و احکام به سرانجام نمی‌رسد بلکه نیازمند نظام‌سازی سیاسی - حقوقی جهت اعمال این احکام است. به تعبیر امام خمینی (ره): «مجموعه قانون برای اصلاح جامعه کافی نیست. برای اینکه قانون مایه اصلاح و سعادت بشر شود به قوه اجرائیه و مجری احتیاج دارد و رسول اکرم (ص) نیز علاوه بر ابلاغ وحی و بیان و تفسیر عقاید و نظامات اسلام، در رأس تشکیلات اجرایی و اداری جامعه مسلمانان قرار داشت^۳». در باب ضرورت تشکیل حکومت اسلامی بعنوان دولتی مقید به اخلاق یا مذهب، از ادله دیگری همچون جامعیت احکام اسلامی و ماهیت اجتماعی احکام، حرمت مراجعه به طاغوت، وحدت و همبستگی امت اسلامی و سیادت

1. Sadegh Haqighat, *The Foundations of Political Thought in Islam*, Second Edition (Qom: Mofid University Publication, 2014) at 59.

2. Imam Khomeini, *Velayat Faqih*; Islamic Government, 24th Edition (Tehran: Imam Khomeini's Works Editing and Publishing Institute, 2011) at 59-126.

3. *Ibid.*, at 25.

اسلام و نفی سلطه حکومت غیراسلامی بر مسلمانان یاد شده است.^۱ گفتنی است در دولت‌های دینی، تقید به اخلاق توسط حکومت و کارگزاران آن و ریشه و خاستگاه امر نیک، از منبعی مهم- دین و مذهب رسمی کشور^۲- نشأت می‌گیرد. برخی نویسندگان با اشاره به ریشه داشتن اخلاق در فطرت و طبیعت آدمی، جوامع بشری را نیازمند نظام ارزشی و اخلاقی دانسته و صرف وجود نظام‌های مادی را برای ادامه حیات جوامع انسانی کافی نمی‌دانند. از این حیث، دین؛ کانون و منبعی است که انسان‌ها را به اخلاق تحریک و تشویق کرده و زمینه فضیلت‌مندی جامعه را فراهم می‌آورد. بنابراین حکومت دینی از حیث تکامل اخلاقی شهروند، کارآیی و ناآسیب‌مندی بیشتری دارد.^۳

۱-۱. دولت کمال‌گرا؛ مفهومی نزدیک به دولت مقید به اخلاق یا مذهب

در ادبیات حقوق عمومی، فلسفه سیاسی و فلسفه اخلاق می‌توان از مفهومی نزدیک به دولت مقید به اخلاق یا مذهب با عنوان «دولت کمال‌گرا» یاد کرد. دولت کمال‌گرا علاوه بر تأمین نظم و نیازهای مادی مردم، در حوزه‌هایی چون دین، اخلاق، هنر، فرهنگ و تجربیات زیبایی‌شناختی با ارائه الگوهای مطلوب خود از زندگی، مردم را به دنباله‌روی و تبعیت از خود بصورت قهری و غیرقهری وادار می‌سازد.^۴ دولت کمال‌گرا^۵ ظرفیت شهروند در تشخیص گزاره‌های اخلاقی و زندگی مطلوب را زیر سؤال برده و یا حداقل،

1. Ali Fatahi Zafarqandi, *People and Islamic Government; Looking at the Position of the People in the Constitution of the Islamic Republic of Iran*, Third Edition (Tehran: Guardian Council Research Institute Publications, 2015) at 29-38.

۲. اصل دوازدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: «دین رسمی ایران، اسلام و مذهب جعفری اثنی عشری است و این اصل الی الأبد غیر قابل تغییر است...»

3. Mohammad Meshkat, *The Foundations of Religious Democracy*, in: Collection of Articles on the Nature, Dimensions and Issues of Religious Democracy, by Mohammad Bagher Khorramshad, First Edition, First Volume (Tehran: Maarif Publishing House, 2006) at 404.

4. Hossein, Rahmatollahi and Omid Shirzad, *Perfectionism and Neutrality and their Effects on the Power Structure and Public Law*, Second Edition (Tehran: Majd Publications, 2019) at 13.

5. Perfectionist State.

توانایی فرد در تشخیص خیر را نافی مسئولیت دولت در این زمینه نمی‌داند و بر نقش نهادهای جمعی بویژه دولت در تعیین الگوی خیر (زندگی خوب) تأکید می‌ورزد. بر اساس رویکرد کمال‌گرایی، نهاد دولت فراتر از ایفای کارکردهای مادی چون تأمین امنیت، بهداشت و رفاه عمومی، متولی رسالتی والاتر یعنی تربیت «شهروند خوب» است و می‌باید به پشتوانه منابع عمومی و قوه قهریه همچون مربی جامعه عمل نماید. «در یک کلام برترین فعل سیاسی، نهاد یا حکومت، آنی است که کمال تمام انسان‌ها را بیشتر ارتقا بخشد».^۱ دولت کمال‌گرا اعمال خود را بر اساس برتری یا پستی ذاتی معانی مختلف زندگی خوب توجیه می‌کند و برای اعمال نفوذ در قضاوت‌های مردم در مورد ارزش این معانی مختلف تلاش می‌کند.^۲

ردپای کمال‌گرایی و انگاشتن رسالت تربیتی برای دولت را می‌توان در اندیشه فلاسفه یونان باستان یافت. ارسطو بهزیستی و نه صرف زیستن را هدف جامعه سیاسی قلمداد می‌نمود و سعادت را در کسب فضایل می‌دانست.^۳ وی نیز مانند افلاطون دولت را قبل از هر چیز به مثابه ابزاری برای بهبود و تکامل اخلاقی و معنوی انسان می‌داند.^۴ بنابراین طبق رویکرد کمال‌گرایی، مقامات سیاسی می‌باید در ایجاد و صیانت از شرایط اجتماعی‌ای که به بهترین نحو، اتباع آنها را در حرکت بسوی زندگی ارزشمند و ارزنده توانا می‌سازند، نقشی فعال برعهده گیرند.^۵

مبنای توجیهی دولت‌های کمال‌گرا که از آنها با عنوان دولت‌های حداکثری نیز یاد می‌شود «اولاً درکی است پیشینی از انسان و این که کجا باید برود و چه باید بشود و ثانیاً وجود مردمانی است با عقاید یک‌دست و هم‌کیش در سرزمینی معین و مشترک. وظیفه‌ای

1. Thomas Hurka, *Perfectionism* (New York: Oxford University Press, 1993) at 147.

2. Will Kymlicka, *Communitarianism*, Translated by Farhad Mushtaq-Safat, *Qabsat Quarterly*, No 5 and 6, (1997), at 118.

3. *Aristotle Politics*, Translated by Hamid Enayat, First Edition (Tehran: Islamic Revolution Publishing and Education Joint Stock Corporation, 1992) at 310-312.

4. Son Eri. Liedman, *History of Political Opinions*, Translated by Saeed Moghaddam (Tehran: Akhtran Publishing House, 2002) at 46.

5. Steven Wall, *Liberalism, Perfectionism and Restraint* (New York: Cambridge University Press, 1998) at 8.

که این دولت‌ها بر خود مقرر می‌دارند اولاً مسئولیت اداره یا به تعبیری «بسترسازی» است با دخالت‌های لازم در امور و ثانیاً هدایت یعنی «انسان‌سازی» است با حمیت تمام.^۱

کمال‌گرایان با تأکید بر سرشت اجتماعی انسان، تحقق زندگی مطلوب وی را به مثابه امری اجتماعی قلمداد می‌کنند. از نظر آنان لازمه تبدیل شدن به یک بازیگر هنجاری-اخلاقی در معنای کامل کلمه و یا تبدیل شدن به یک موجود کاملاً مسئول و خودمختار، زندگی اجتماعی است. خارج از اجتماع، توانایی‌های اختصاصاً انسانی ما نمی‌توانند توسعه یابند.^۲ فلاسفه جمع‌گرا بر این باورند که فرد، اهداف و امیال خود را از درون مجموعه‌ای از روابط قاعده‌مند با دیگران کشف می‌کند و غایات او ماقبل اجتماعی نیست. فرد، خیر خود را از طریق شکلی از زندگی که پیش از او موجود است می‌یابد و جوهره اخلاق که همانا «امر خوب» است را جز به پشتوانه نوع معینی از زندگی اجتماعی نمی‌توان فهمید.

همچنین به‌زعم برخی کمال‌گرایان همچون جوزف رز،^۳ عمل کمال‌گرا الزاماً عمل یک گروه علیه گروه دیگر نیست و عمل سیاسی کمال‌گرا می‌تواند از جانب کل جامعه حمایت شود. یک عمل سیاسی کمال‌گرا می‌تواند با تشویق و تسهیل برخی از منش‌های اخلاقی و ایجاد دلسردی نسبت به منش‌های دیگر صورت پذیرد. ضد کمال‌گرایی^۴، در عمل صرفاً به پرهیز از مفاهیم ارزشمند خیر منجر نمی‌شود؛ بلکه امکان بقای بسیاری از وجوه درخشان فرهنگ ما را مختل می‌کند.^۵ بنابراین در مقام جمع‌بندی باید گفت کمال-گرایی دارای دو جزء است: ۱- الگویی از زندگی مطلوب که باید محقق شود ۲- اقدام حکومت برای تحقق این الگو.^۶

1. Alireza Shujaizand, *Religion in the Modern Context*, First Edition (Tehran: Humanities and Cultural Studies Institute, 2015) at 105.

2. Charles Taylor, *Virtuous Life in the Secular Age*, First Edition, Translated by Farhang Rajaei (Tehran: Agah Publication, 2014) at 118.

3. Joseph Raz, (1939).

4. Anti-perfectionism.

5. Alireza Beheshti Hosseini, *The Theoretical Foundation of Politics in Multicultural Societies* (Tehran: Boqeh Publication, 2001) at 231.

6. Mohammad Rasekh & Mohammad Reza Rafiei, *The Relationship between Government and Good Life, An Attitude towards Perfectionism Approach*, Islamic Law Quarterly, Eighth Year, Number 30, (2011), at 62.

۲. دولت در کنار اخلاق یا مذهب

در دسته‌بندی دیگر مرحوم کاتوزیان، به دولت‌های در کنار اخلاق یا مذهب اشاره شده است. در این دولت‌ها دولت از هر جریان فلسفی و اعتقادی شایع میان مردم جداست و تنها به شکل معین و با رعایت قواعد ویژه به اداره سازمان‌های سیاسی و قضایی می‌پردازد؛ بی‌طرف است و به منزله ابزاری در اختیار حکمرانان قرار می‌گیرد. اخلاق و مذهب در کنار دولت چهره شخصی و خصوصی می‌گیرند و در سیاست‌گذاری‌ها بی‌اثرند.^۱ مرحوم کاتوزیان در این دسته‌بندی به دولت‌هایی اشاره دارد که پیرو تحولات نظری و عملی پس از رنسانس در تاریخ تمدن غرب، به سمت جدایی امر سیاسی از امر اخلاقی حرکت کردند و با نفی کارکردهای اجتماعی دین (بصورت خاص مسیحیت) و با رویکردی مادی، در مقام مدیریت تعارض اجتماعی شهروندان و چاره‌جویی برای محدودیت منابع عمومی برآمدند.

به تعبیر جان لاک، فیلسوف کلاسیک لیبرال، «دولت، اجتماعی از انسان‌هاست که فقط برای تأمین، حفظ و پیشبرد منافع مدنی تشکیل شده است. منافع مدنی را زندگی، آزادی، تندرستی و آسایش تن و تملک اشیاء خارجی همچون پول، زمین، مسکن، اثاثیه و لوازم زندگی و امثال آن می‌دانم. بنابراین قلمرو قدرت حاکم، به هیچ وجه من الوجوه، نمی‌تواند و نباید به امور مربوط به رستگاری ارواح انسان‌ها تعمیم داده شود.^۲» جدایی دین و دولت و به تعبیر مرحوم کاتوزیان در کنار اخلاق یا مذهب قرار گرفتن دولت، بتدریج ابعاد گسترده‌تری در عالم نظر و عمل یافت و زمینه پیدایش مفهوم دولت بی‌طرف را فراهم آورد.

1. Naser Katouzian, *The Foundations of Public Law*, Third Edition (Tehran: Mizan Publication, 2007) at 59.

2. John Lock, *A Letter about Tolerance*, First Edition, Translated by Shirzad Golshahi (Tehran: Ney Publication, 2004) at 56-57.

۱-۲. دولت بی طرف؛ مفهومی نزدیک به دولت در کنار اخلاق یا مذهب

ایده بی طرفی، حاصل نظریه پردازی شماری از نویسندگان لیبرال معاصر همچون جان راولز^۱ و رونالد دورکین^۲ است؛ با این حال از میراثی غنی برخوردار بوده و تبار آن را باید در اندیشه‌های اخلاقی و سیاسی فلاسفه عصر روشنگری چون جان لاک، کانت و استوارت میل یافت. بیطرفی، حاصل تعمیم ایده‌هایی چون سکولاریسم و لائسیسم است که هر دو در رابطه با نسبت حکومت با دین از قدمتی دیرینه در تاریخ اندیشه‌های سیاسی برخوردارند. طبق رویکرد بی طرفی، مقایسه ارزشی برداشت‌های خیر متضاد شهروندان لزومی ندارد و بر این اساس، افراد جامعه برای تعقیب برنامه‌های زندگی دلخواه خود که به نقض اصول عدالت و حق‌ها و آزادی‌های دیگران نینجامد، آزاد هستند. طبق ایده بی طرفی، دولت باید در قبال تلقی‌های شهروندان از زندگی سعادت‌مندانه بی طرف بماند و نباید هیچ برداشت خاصی از خیر را بر دیگر برداشت‌ها رجحان دهد. بینش بی طرفانه معتقد است که اخلاق سیاسی باید معطوف به «حق»^۳ باشد و تصمیم‌گیری درباره «خیر»^۴ را به افراد واگذار کند؛ چرا که ترجیح یک تلقی بر سایر تلقی‌ها - چه به علت اعتقاد دولت به برتری ذاتی یک برداشت و چه به دلیل پشتیبانی اکثریت جامعه از آن برداشت و چه به انگیزه دولت برای اشاعه زندگی مطلوب و خیرخواهی - ناقض آزادی فردی و برابری میان شهروندان است. در رویکرد بی طرفی؛ نقش حکومت، پاسداری از توانایی افراد برای داوری برای خودشان درباره با ارزشی برداشت‌های گوناگون از زندگی خوب و فراهم‌آوری توزیع منصفانه حقوق و منابع است تا افراد را توانای پی‌جویی برداشت‌شان از خیر کند.^۵

1. John Rawls (1921-2002).

2. Ronald Dworkin (1931-2013).

3. The Right.

4. The Good.

5. Will, Kymlicka, *An Introduction to the Contemporary Political Philosophy*, First Edition, Translated by Maysam Badamchi and Mohammad Mubasheri (Tehran: Negah Maaser, 2017) at 302.

نقطه عزیمت بی‌طرفی در جوامع مدرن، اذعان به گسترش تصورات متضاد و گوناگون افراد از خیر و پذیرش کثرت‌گرایی^۱ بعنوان پیامد طبیعی عملکرد آزادانه عقل است.^۲ بنابراین جامعه مرکب از فاعلان اخلاقی دارای برداشت‌های متکثر از خیر، باید بر اساس اصولی اداره شود که آن اصول، هیچ برداشت خاص از امر خوب را از پیش مسلم نگرفته باشند.^۳ دیگر استدلال مدافعان بی‌طرفی، بر ناممکن بودن اجماع شهروندان در گزینش برداشت خاصی از خیر برای زندگی مسالمت‌آمیز جمعی و برپایی دولت تأکید دارد. بر این اساس، برداشت دولت از امر خیر اساساً جنبه عام و فراگیر دارد. یک برداشت را زمانی عام می‌خوانند که بر گستره وسیعی از موضوعات اعمال شود؛ زمانی فراگیر است که دربرگیرنده برداشت‌های مرتبط با هر آنچه در زندگی انسان ارزشمند است و همچنین متضمن انگارینه‌های^۴ منش و فضیلت شخصی‌ای باشد که تأثیر بسیاری بر رفتار غیرسیاسی ما در چارچوب کل زندگی دارند. به‌زعم جان راولز، آموزه‌های فراگیر نمی‌توانند بعنوان اساس قطعی یک اجتماع بکار گرفته شوند و انتظار داشته باشیم همه شهروندان بر آن صحه گذارند و هیچ آموزه دینی و اخلاقی نیست که مورد تأیید همه شهروندان باشد.^۵

صیانت از آزادی و خودآئینی افراد، دیگر دلیل موجه‌ای است که بی‌طرف‌گرایان در پرتو آن از بی‌طرفی دولت در قبال خیر دفاع می‌کنند. از نظر آنان اصل آزادی و خودآئینی متضمن آن است که افراد خود، زندگی مطلوبشان را تعریف یا عملی کنند و تنها در صورت بی‌طرفی دولت است که این امر محقق خواهد شد. لذا اصل آزادی از مبانی و بنیان‌های کلیدی نظریه دولت بی‌طرف یا در کنار اخلاق بشمار می‌رود. جایگاه آزادی در اندیشه استاد کاتوزیان رفیع است. به‌زعم وی: «در مقام نظم بخشیدن به رابطه دولت و مردم

1. Pluralism.

2. Susan Mendos, *Neutrality in the Ethics Philosophy and Political Philosophy*, First Edition, Translated by Fateme Sadat Hosseini (Qom: Ketab Taha Publications, 2016) at 30.

3. Raphael Cohen-Almagor, *Between Neutrality and Perfectionism*, Canadian Journal of Law and Jurisprudence, Volume. VII, No. 2, (1994), at 217.

4. Ideals.

5. John Rawls, *Political Liberalism*, Translated by Musa Akrami (Tehran: Third Publication, 2013) at 275.

و تفسیر و اجرای قوانین، هر جا که اختلاف و تردیدی در حدود تکالیف اشخاص با اختیار مقامات حکومت ایجاد شود، باید آن را به سود «اصل آزادی» تعبیر کرد. مفهوم «اصاله الأباحه» و مضمون «المؤمنون عند شروطهم» و «اصل عدم ولایت» در فقه و اصل آزادی قراردادی و حکومت اراده بر آن در حقوق مدنی (ماده ۱۰ ق.م) نیز تأیید اصل آزادی است.^۱

شایان ذکر است در دولت بی طرف یا در کنار اخلاق و مذهب، میان دولت و اخلاق جدایی تام و مطلق وجود ندارد و صرفاً درجه وابستگی متقابل دولت و اخلاق در مقایسه با دولت‌های مقید به اخلاق، حداقلی و کم‌رنگ است. بر این اساس مرحوم کاتوزیان نیز بیان می‌دارد:

«جدایی اخلاق و مذهب از دولت بطور کامل امکان ندارد؛ زیرا در دولت‌های بی مذهب نیز، قدرت اخلاق و مذهب یکی از نیروهای سازنده حقوق و بازدارنده قدرت و حاکمیت دولت است. پس باید به درجه وابستگی دولت و اخلاق و مذهب اندیشید نه جدایی آنها.^۲»

بنابراین دولت بی طرف را نمی‌توان لزوماً دولتی دین‌ستیز یا اخلاق‌گریز تلقی کرد بلکه دولت در این رویکرد به استناد تکثر ارزشی و اخلاقی موجود در جامعه، خود بعنوان داور میان فاعلان اخلاقی قرار نمی‌گیرد و با تفکیک مرزهای میان حوزه دولتی، حوزه عمومی و حوزه خصوصی، قضاوت درباره شاخص‌های زندگی مطلوب را به سطوح پایین‌تر از حکومت همچون جامعه مدنی و جماعات و انجمن‌ها می‌سپارد. دولت بی طرف در سطح حق، منابع و آزادی‌ها را توزیع و مدیریت می‌کند و تصمیم‌سازی در حوزه خیر را به شهروند واگذار می‌کند.

1. Naser Katouzian, *A Step towards Justice*, First Edition, First Volume (Tehran: Publications of Faculty of Law and Political Sciences at Tehran University, 1999) at 134.

2. Naser Katouzian, *The Foundations of Public Law*, Third Edition (Tehran: Mizan Publication, 2007) at 59.

برخی نویسندگان در چارچوب ایده تقدّم حق بر خیر معتقدند در میان رویکردهای سه‌گانه دولت که مدنظر استاد کاتوزیان قرار دارد (دولت مقید؛ در کنار و حاکم بر اخلاق) تنها سنخ دوم یعنی دولت‌های در کنار اخلاق و مذهب با تکیه بر نفی هنجارهای پیشینی و از پیش مقرر و سپس از طریق نفی نقش دولت به مثابه نهاد «هنجار آفرین» و «نظم‌ساز»، راه را برای توجه حداکثری و فزاینده به سمت مستقل قلمداد شدن عرصه حق‌های بشری و شهروندی گشوده‌اند. به نحوی که مستقل از وجود و شخصیت حقوقی دولت که سایه آن قرن‌ها بر حق‌های فردی سنگینی می‌کرد بشمار آمدند و بعنوان واقعیتهای انکارناپذیر و حقیقتی مسلم در مناسبات سیاسی و اجتماعی شناسایی شدند.^۱

۳. دولت حاکم بر اخلاق یا مذهب

در دسته‌بندی سوم، استاد کاتوزیان به دولت‌های حاکم بر اخلاق می‌پردازد که دولت در آنها در رویکردی اقتدارگرایانه، مرجع تشخیص و خلق و شناسایی «حق» و حتی «اخلاق و امر خوب» است و در سایه نظم و اراده دولت است که حق و تکلیف بوجود می‌آید و پیشرفت و تکامل اخلاقی شهروند حاصل می‌شود.^۲ در این دسته از دولت‌ها ادله‌ای همچون برتری نژادی ملت و نمایندگی دولت از جانب وی و ضرورت حفظ نظم، پشتوانه اقتدارگرایی دولت قرار گرفته و به آن مجال حاکمیت بر حق و اخلاق را می‌دهد.

نظام‌های توتالیتر نیمه نخست قرن بیستم همچون کمونیسم شوروی، نازیسم آلمان و فاشیسم ایتالیا، از مصادیق دولت‌های حاکم بر اخلاق یا مذهب قلمداد می‌شوند. نظام‌های توتالیتر نظام‌هایی هستند که بر طبق ایدئولوژی فراگیری در همه حوزه‌های زندگی فرد و

1. Hossein Rahmatollahi, and Ehsan Agha Mohammad Aghaei, *A New Look at the Foundations of Public Law (Concepts and Values)* 2nd Edition (Tehran: Sahami Publishing Corporation, 2021) at 121-122.

2. Naser Katouzian, *The Foundations of Public Law*, Third Edition (Tehran: Mizan Publication, 2007) at 60.

جامعه دخالت می‌کنند و می‌کوشند آن ایدئولوژی را بر واقعیت تحمیل کنند و اصل تنوع عقیده‌ها و شیوه‌های زندگی را زیر سؤال برند.^۱

حاکمیت دولت بر اخلاق و طرح قرائت رسمی اخلاقی از ناحیه دولت، زمینه‌ساز اقتدارگرایی و تمامیت‌خواهی این نهاد است و بتدریج دولت را بر «حق» نیز حاکم خواهد ساخت. به دیگر سخن، دولت حاکم بر اخلاق یا مذهب، به دولت حاکم بر حق نیز بدل خواهد گشت و بعنوان نهادی هنجارساز، مرجع انحصاری تعیین حق و تکلیف بشمار خواهد رفت. در این دولت‌ها حق‌های طبیعی و فراقانونی نفی می‌شود و در رویکردی تکلیف‌گرا، حق‌های حداقلی وضعی از ناحیه دولت، مناسبات آن را با شهروند سامان می‌دهند. در این رویکرد، دولت نه کاشف حق بلکه واضع حق تلقی می‌شود و امتیازات و حق‌های انسانی پیشینی و طبیعی، مهارکننده اقتدار وی نخواهد بود. از منظر طرفداران حقوق وضعی، حق‌ها جنبه مادی، عینی و ملموس دارند و معلول قانون موضوعه‌ای هستند که ساخته دولت و دولت نیز ساخته اراده انسان‌هاست. بنابراین از منظر تفکر موضوعه‌گرایان، حقوق زاده نیاز و خواسته مردم است و هیچ ارزش ازپیش ساخته و ثابتی آن را رهبری نمی‌کند؛ لذا ما حق‌های ثابتی نداریم و نظام حقوقی ناشی از سیر تاریخی حرکت هر جامعه‌ای است و از شرایط زمانی و مکانی خاص هر جامعه تبعیت می‌کند. آنان که در پی حقوق وضعی هستند گویی به سراغ فرهنگ برای ابتنای حقوق انسان‌ها رفته‌اند و چون فرهنگ اساساً سیال و متغیر است؛ پس حقوق مبتنی بر آن هم ناگزیر، نسبی و دارای اعتبار موقت است.^۲ بنابراین حق طبیعی^۳ که از عوامل مهم تحدید اقتدار دولت و تضمین فردیت و شخصیت آدمی است، در دولت حاکم بر اخلاق، مذهب و حق نفی می‌شود و حق وضعی^۴، جانشین آن می‌شود. اگر در حق‌های طبیعی، حق ریشه در طبیعت انسان دارد

1. Hossein Bashirieh, *Political Science Education; Foundations of Theoretical and Institutional Politics*, 11th Edition (Tehran: Negah Maaser, 2014) at 171.

2. Mohammad Javad Javid, *Philosophical Schools of Law*, First Edition (Tehran: Khorsandi Publications, 2018) at 90.

3. Natural Right.

4. Positive Right.

و به مقتضای کرامت ذاتی، آدمی صرف نظر از تعلقات عرضی همچون نژاد، رنگ، مذهب، جنسیت و ملیت، مستحق حقی‌هایی طبیعی است؛ در دولت حاکم بر اخلاق و حق، فرد به دلیل عجز در تشخیص خیر و عدم استحقاق نسبت به حقی‌های طبیعی، باید در نیل به زندگی مطلوب و خیر و استیفاء حق، از اراده یکجانبه و مطلق دولت تبعیت نماید.

در اندیشه دولت حاکم بر حقوق، اخلاق و مذهب، جمع مظهر مطلق است و کل بر جزء و جمع بر فرد اولویت و ترجیح دارد. از این رو چنین دولتی کل تنوعات واقعی را نفی می‌کند و بر همگونی‌های موهوم تأکید می‌نماید. از این رو دولت حاکم بر حقوق، متوقع اطاعت کلی و فراگیر افراد از قانون است و در این میان رضایت و توافق مردم در پذیرش قوانین دخالتی ندارد و صرف نگاه تکلیف‌مدارانه به فرد بعنوان گفتمان مسلط در این سنخ از دولت پذیرفته شده است.^۱

استاد کاتوزیان در آثار متعددی این رویکرد را محل نقد قرار داده و در دفاع از درون‌مایه حقوق یعنی حقی‌های طبیعی و عدالت سخن به میان آورده است. به‌زعم وی قواعد حقوق زاده اراده دولت است. بر مبنای این واقع‌گرایی آنچه به حقوق اعتبار و توان مادی می‌بخشد اراده دولت است؛ هر چند که از راه مستقیم دادگری منحرف شده باشد. به بیان دیگر قانون بد نیز همانند قانون خوب الزام اجتماعی ایجاد می‌کند. ولی این واقع‌بینی اجتماعی به معنای ستایش قدرت دولت و چشم‌پوشی از معیار اخلاقی نیک و بد قوانین نیست؛ عدالت اگر وصف جوهری حقوق نباشد؛ بی‌گمان ترازوی ارزش و مهمترین وصف کمالی آن است. بنابراین نظامی که برای حقوق فراهم می‌آوریم، «تحقیقی دولتی یا اجتماعی» نیست؛ با آرمان‌های اخلاقی و مذهبی و احکام دل‌نیز آمیخته است و هنر دادگستری و حق‌طلبی در آن جای شایسته دارد.^۲

ایشان در مقام تحلیل مفهوم قانون، صرف‌گذار از فرمان شخصی حاکم خود کامه به اراده عمومی را - قانون را به مثابه ثمره اراده عمومی تلقی کردن - وافی به مقصود نمی‌داند

1. Hossein, Rahmatollahi and Ehsan Agha Mohammad Aghaei First Edition, *Natural Law and Positive Law and their Effects on the Power Structure and Public Law* (Tehran: Majd Publications, 2018) at 223.

2. Naser Katouzian, op.cit., at 241-242.

و در نقد قانون سالاری و موضوعه‌گرایی افراطی متذکر می‌شود: توسل به اراده عمومی در شناخت مفهوم قانون، دنباله‌دوره خودکامگی است. عنوان «اراده عمومی» به تنهایی عادلانه بودن قانون را تضمین نمی‌کند و برای تمیز ارزش واقعی قانون، معیار دیگری لازم است. معیاری که چند و چون آن در اختیار دولت نباشد. پس جمعی به دنبال آرمان کهن «حقوق فطری یا طبیعی» رفتند و گروه دیگر کوشیدند تا اخلاق عمومی را الگوی ارزش سازند.^۱

از حیث مبانی نظری دولت حاکم بر اخلاق، اندیشه هگل^۲، فیلسوف آلمانی قرن نوزدهم قابل ذکر است. هگل با نقد نظریه قرارداد اجتماعی بعنوان گفتمان مسلط تأسیس دولت در عصر روشنگری، از خاستگاه طبیعی و ارگانیک دولت دفاع می‌کند و با قیاس دولت با خانواده به تقدیس این نهاد رو می‌آورد. در نظر هگل، خانواده نخستین ریشه اخلاقی و الگوی ابتدایی دولت کامل و واقعی خوانده شده است. خانواده همانند گروه واجد شخصیت حقوقی، کارویژه‌ای اجتماعی انجام می‌دهد که ذهنیت‌گرایی، فردگرایی و خودمركزی جامعه مدنی را جبران می‌کند. خانواده برخلاف جامعه مدنی، پدیده‌ای قراردادی نیست بلکه به موجب عشق، اعتماد، تعاون و علاقه به کل انسجام می‌یابد.

بر این اساس در سطح جامعه سیاسی نیز فرد نمی‌تواند از کل زندگی اجتماعی تجزیه شود و همچنان تمامیت خود را حفظ کند. دولت دربرگیرنده تمامی شهروندان و نهادهایی است که به موجب پیوندهای مشترک، وحدت یافته و معطوف به غایات اخلاقی هستند.^۳

به نظر هگل در هر برهه تاریخ، اندیشه یا نظریه‌ای پدیدار می‌شود که به نوبه خود سهمی از حقیقت دارد و در عین حال به دلیل نقص، پیوسته در حال تطور و شدن است. علت این امر وجود اندیشه یا نظریه مخالفی است که تضاد و کشمکش میان این دو اندیشه، سبب پرورده شدن نظریه‌ای کامل‌تر شده و با پدیداری نظریه تلفیقی جدید (ستز)، تاریخ و رویدادها، یک مرحله به سمت «روح جهانی» که نماد ترقی و مطلوبیت هگل است،

1. Naser Katouzian, *Philosophy of Law*, The Second Edition, The Second Volume (Sources of Law) (Tehran: Ganj Danesh Publication, 2019) at 34-36.

2. Fredrich Hegel (1770-1831).

3. Andrew Vincent, *State Theories*, Translated by Hossein Bashirieh, 8th Edition (Tehran: Ney Publication, 2012) at 210-212.

نزدیک می‌شود. لذا در بینش فلسفی هگل، جهان هستی و پدیده‌ها، از طریق روش دیالکتیک به سمت تکامل جبری تاریخی پیش می‌روند و دولت در این بین تجلی مادی سنتز و وسیله پیشرفت و ترقی در فرآیند قهری تکامل تاریخ است. «دولت، مظهر روح ملت و جزئی از روح جهانی است؛ چرا که روح یکتاست. روح ملت نیز با حرکت بسوی روحی دیگر راه کمال را می‌پیماید. روح تازه، همه سازمان‌ها را به اجبار متناسب با خود می‌کند؛ از شیوه لباس پوشیدن تا قواعد مربوط به قراردادها^۱». این نگاه به دولت زمینه حاکمیت آن بر اخلاق و حق را فراهم می‌آورد و در اندیشه استاد کاتوزیان محل نقد واقع شده است. ایشان اندیشه سیاسی هگل را مصداق خدمت خردمند به خودکامه و بازیگری عقل برای توجیه قدرت دانسته و آن را زمینه‌ساز زورگویی و ناچیزشمردن شخصیت انسان قلمداد کرده‌اند.^۲

استاد کاتوزیان در عین پذیرش نقش اراده دولت در قانونگذاری و به تبع آن تضمین و شناسایی حق، حاکمیت مطلق دولت بر حق و اخلاق را نقد کرده و در تعبیری جالب و در راستای دفاع از حق‌های ثابت و طبیعی متذکر می‌شود: «قدرتی را باید ستود و اطاعتی را معقول شمرد که رابطه آن با مردم همانند استاد و شاگرد و بر پایه هدفی مشترک باشد نه بسان خواجه و بنده که یکی سروری بخواهد و دیگری فرار از کهنتری. دولتی که در جهت برتری جویی و قدرت‌نمایی گام برمی‌دارد، به جای بذر ستایش و احترام، تخم کین و نفرت می‌پاشد و هر روز بر فاصله خود با مردم می‌افزاید»^۳.

۴. گذار از کمال‌گرایی به اقتدارگرایی و ضرورت انسداد آن

همانطور که از نظر گذشت کمال‌گرایی و تقید دولت به اخلاق یا مذهب، مترصد طرح نظریه‌ای اخلاقی از دولت است که کارویژه‌های آن به سمت تربیت شهروندان سوق پیدا

1. Naser Katouzian, *The Foundations of Public Law*, Third Edition (Tehran: Mizan Publication, 2007) at 86.

2. Naser Katouzian, op.cit., at 166.

3. Naser Katouzian, *Introduction to the Science of Law and Study in Iran's Legal System*, 46th Edition (Tehran: Sahami Publishing Corporation, 2005) at 32.

می‌کند. در این نظریه از دولت، مفهوم بنیادین «نظم عمومی» بعنوان نظم لازم جهت حُسن جریان امور کشور، گستره موسعی یافته و علاوه بر مؤلفه‌هایی همچون امنیت و آسایش عمومی، بهداشت عمومی و محیط زیست سالم، اخلاق عمومی و حسنه را نیز شامل می‌شود. بر این اساس، رسالت تربیتی دولت، قرائت حداکثری از مفهوم نظم عمومی، سیاستگذاری و قانونگذاری بر اساس امر اخلاقی و مذهبی و قرار گرفتن مذهب در هسته مرکزی نظام سیاسی - حقوقی، از شاخص‌های دولت‌های مقید به اخلاق یا مذهب بشمار می‌روند.

به تعبیر مرحوم کاتوزیان: «مذهب در بخش‌های مهمی از تاریخ، وسیله تعدیل قدرت و دستاویز معترضان و آزادی‌خواهان شده است. ارزش‌های مذهبی، یکی از راه‌های دست یافتن به حقوق فطری و اخلاق حسنه و هدایت افکار عمومی به شناخت ارزش‌های انسان و استحکام خانواده و پایداری سنت‌هاست؛ موانعی که حاکمیت را محدود می‌سازد و از زهر قدرت می‌کاهد. اما در عین حال در تاریخ سیاست گاه مذهب وسیله توجیه حاکمیت و ابزار فشار خودکامگان بوده و هرگاه نیز با تعصب و جاهلیت همراه شده زیان‌هایی به بار آورده است.^۱»

بر این اساس و جهت انسداد گذار از کمال‌گرایی به اقتدارگرایی، نظام حقوق اساسی کشورها باید به ارزش‌ها، بایدها و الزامات حقوق عمومی مزین گردد و از این طریق مسیر گذار از کمال‌گرایی به اقتدارگرایی مسدود شود. «نظریه حق» آن هم در قرائت طبیعی خود از جمله این الزامات و بایسته‌هاست. بر این اساس درست است که حق، برای عملیاتی شدن و دارا شدن ضمانت اجرا متکی به قدرت سیاسی است و باید لباس قانون پوشد و در قالب «قانون» ریخته شود اما این بدان معنا نیست که باید «حق‌ها» را تابع اراده محض دولت دانست. حق‌های طبیعی و فراقانونی بر مبنای بنیان دیگری فراتر از اراده قانونگذار و واضح قانون، امضاء و تأیید نظری شده‌اند. از این رو در ادبیات سیاسی و حقوقی گفته می‌شود حق

1. Naser Katouzian, *The Foundations of Public Law*, Third Edition (Tehran: Mizan Publication, 2007) at 352.

خلق نمی‌شود بلکه کشف می‌شود و به رسمیت شناخته می‌شود. قانون پیشرفته تابع حق است نه بالعکس. قانون عقب‌مانده بر حق غالب است و به آن اجازه جولان نمی‌دهد.^۱

بنابراین دولت مقید به اخلاق یا مذهب، باید با احترام به حق‌های طبیعی، از حاکمیت بر حق بپرهیزد. این موضوع در اندیشه استاد کاتوزیان دارای جایگاهی ویژه است. وی در آثار خود با نقد شکل‌گرایی و فرمالیسم حقوقی و توجه صرف برخی حقوقدانان به احکام قانون موضوعه، همواره به استانداردهای برتر و فراوضعی در نظام حقوقی تأکید دارد و از تقدّم حق و عدل بر نظم سخن به میان آورده است. به‌زعم ایشان بی‌نظمی یعنی گام نهادن در تاریکی و حرکت کردن بسان کوران و این زندگی را بسیار دشوار می‌کند. ولی نظم تمام نیاز انسان نیست. همان انسانی که احتیاج به نظم دارد، نظم ظالمانه را نمی‌پسندد و نمی‌پذیرد. ارزش نظم به این است که مقدمه اجرای عدالت باشد. به همین جهت است که گاهی انسان به رغبت، نظم را واژگون می‌کند تا بساط ظلمی را برچیند. پس معشوق نهایی، هدف واپسین و غایت مطلوب، اجرای عدالت است.^۲

احترام به قانون، شرط نخستین نظم است و امنیت حقوقی زاده آن؛ لیکن ذهن حکیم به نظم قانع نمی‌شود و هر امنیتی را نمی‌پسندد. او در جستجوی هدف والاتری است و می‌خواهد در درون نظم به عدالت دست یابد؛ تمام سخن در این است که نظریه‌های حقوقی همچون ابزار برای راه انداختن ماشین طبیعی و انسانی عدالتخواهی بکار می‌رود.^۳

تأسیس قراردادی دولت و نظریه مکانیک دولت، دیگر لازمه گذار از کمال‌گرایی به اقتدارگرایی است. در نظریه مکانیک، دولت نه به مثابه نهادی ارگانیک و طبیعی

1. Mohammad Rasekh, *Lectures on the Philosophy of Right and Philosophy of Public Law*, First Edition (Tehran: House of Thinkers of Human Sciences, 2015) at 40.

2. Naser Katouzian, *The Inherent Importance of Law and Legislation Techniques*, Published in the Collection of *the Enigma of the Rule of Law in Iran*, under the supervision of Abbas Abdi (Tehran: New Design Publications, 2002) at 13.

3. Naser, Katouzian, *Justification and Criticism of Judicial Procedure*, Second Edition (Tehran: Mizan Publication, 2002) at 10.

همچون خانواده بلکه نهادی مصنوع و ساخته بشر تلقی می‌شود که از ضرورت‌های ناشی از زیست اجتماعی و با رویکردی قراردادی میان اعضای جامعه سیاسی ایجاد شده است. در این تلقی دولت برای انسان وجود دارد نه انسان برای دولت.^۱

به تعبیر زیبای استاد محمدعلی موحد: «نگرش امروزی، ولایت دولت را یک ولایت عهدی و قراردادی می‌داند و نه یک ولایت قهری؛ ولایتی است که به اراده و اختیار شهروندان به دولت داده می‌شود نه آنکه بدون اختیار و رضا بر شهروندان تحمیل گردد. ولایت پدر بر فرزند صغیر، یک ولایت قهری است. ولایت قیم بر محجور نیز از همین قبیل است. اما ولایت دولت از سوی شهروندان مبتنی بر گزینش آنان است و از همین رو دولت در برابر شهروند همچون وکیل و در برابر موکل مسئولیت دارد و باید به موکل حساب پس بدهد و تصرفات او نباید از حدودی که موکل تعیین می‌کند، تجاوز نماید.^۲»

بعلاوه دولت مقید به اخلاق یا مذهب، برای پرهیز از اقتدارگرایی و حاکم شدن بر اخلاق یا مذهب باید عناصر و الزامات سازنده «دولت حقوقی» را در نظام حقوق اساسی شناسایی کند. دولت حقوقی بعنوان وضعیت ایده‌آل و مطلوب دولت در حقوق عمومی، دولتی است که تمام ساختارها، صلاحیت‌ها، کارکردها و هنجارهای موجود در آن بر اساس اصولی بنیادین سامان می‌یابد.^۳ در بیان این اصول بنیادین باید گفت دولت حقوقی از حیث ساختاری تابع اصل تفکیک قواست و با توزیع خردمندانه قدرت سیاسی میان نهادها و دستگاه‌ها با تمرکز قدرت و استبداد سرناسازگاری دارد. از حیث هنجاری، قدرت دولت حقوقی مقید به قانون اساسی است و قدرت در قالب صلاحیت‌های تفویضی قانون اساسی اعمال می‌شود. همچنین رژیم حقوقی حاکم بر حکمرانی به نوعی سامان می‌یابد که برتری قانون اساسی تضمین شود و تحقق یابد. از حیث ماهوی و جوهری نیز حق‌ها و آزادی‌های شهروندان در آن محترم شمرده شده و در قالب قوانین تضمین می‌گردد.

1. Hossein Rahmatollahi, *Evolution of Power: Government and Sovereignty from the dawn of History to the Age of Alobalization*, First Edition (Tehran: Mizan Publishing, 2009) at 19.

2. Mohammad Ali, Movahed, *Seeking to Right and Justice; From Natural Rights to Human Rights*, Fifth Edition (Tehran: Karnameh Publication, 2017) at 75.

3. Mohammad Reza Vije, *Theoretical Foundations and Structure of the Legal State*, First Edition (Tehran: Jungle Publications, 2011) at 194-195.

نتیجه‌گیری

این مقاله به بازخوانی دکترین استاد ناصر کاتوزیان در مورد مناسبات دولت و اخلاق و مذهب می‌پردازد. در این زمینه، استاد در یک دسته‌بندی بنیادین از دولت‌های مقید به اخلاق، در کنار اخلاق و حاکم بر اخلاق یاد کرده‌اند و دولت‌های دینی را از مصادیق دولت‌های مقید به اخلاق تلقی نموده‌اند. دولت‌های دینی، مبتنی و مستند به منابع دینی و با هدف اشاعه امر خوب و فضایل اخلاقی و اجرای احکام دینی پایه‌گذاری می‌شوند و در قانون اساسی خود دین و مذهب خاصی را رسمیت بخشیده و در سیاست‌گذاری و قانونگذاری بر اساس آن عمل می‌کنند. نگارنده، دولت کمال‌گرا را مفهومی نزدیک به دولت مقید به اخلاق بشمار آورد که مترصد صیانت از الگوی خاصی از زندگی مطلوب (خیر) بوده و با بهره‌گیری از ظرفیت‌های قهری و غیرقهری، التزام و تقید شهروند به آن الگو و سبک زندگی را دنبال می‌کند.

در عین حال تفاوت‌هایی نیز میان دولت کمال‌گرا و دولت دینی وجود دارد. اولاً مفهوم دولت کمال‌گرا مفهومی تاریخی است که از حیث تبارشناسی فلسفی در تاریخ اندیشه‌های فلسفی یونان باستان ریشه دارد و قبل از ظهور مسیحیت و اسلام، با هدف «صیانت از نظم» و «تربیت شهروند خوب» مطرح شده است. ثانیاً منبع دولت کمال‌گرا برای اشاعه الگوی بایسته زندگی مطلوب، لزوماً آموزه‌ها و احکام دینی نیست و ممکن است الگوی زندگی مطلوب از منابع غیردینی نشأت گیرد. حال آنکه در دولت‌های دینی دین یا مذهب رسمی، منبعی است که دولت بر اساس آن الگوهای ارزشمند و برتر زندگی خوب را استنتاج و ترویج می‌کند. به لسان منطقی، نگارنده بر این باور است که هر دولت دینی، دولتی کمال‌گراست؛ اما هر دولت کمال‌گرا لزوماً دولت دینی نیست.

در دسته‌بندی دوم مرحوم استاد کاتوزیان، از دولت در کنار اخلاق یاد شده که آن را نزدیک به مفهوم دولت بی‌طرف دانستیم. بی‌طرفی که حاصل تکامل ایده‌های سکولاریسم و لائسیسم است؛ هنجارآفرینی، الگوسازی، گسترش و تحمیل برداشتی خاص از زندگی مطلوب توسط حکومت را رد کرده و بر محور ادله‌ای چون احترام به «خود آیینی» شهروندان و «تکثر ارزشی» موجود در جوامع مدرن، بی‌طرفی حکومت در قبال دین،

اخلاق، فرهنگ، هنر و تجربیات زیبایی‌شناختی را تجویز می‌کند. بی‌طرف‌گرایان با اعتقاد راسخ به گزاره «دولت، شرّ‌گریزناپذیر»؛ وجود نهاد حکومت را جهت توزیع منابع و آزادی‌ها میان اتباع جامعه سیاسی ضروری می‌دانند ولی به دلیل داشتن نگاه منفی به حکومت و نگرانی از بروز استبداد و سلب آزادی افراد، محدوده معین و حدّ اقلی برای حکمرانی ترسیم می‌کنند که اساساً به مقوله خیر و باورهای معطوف به رستگاری و فضیلت راه نمی‌یابد.

دولت‌های اقتدارگرای حاکم بر اخلاق، دیگر نوع از دولت‌هاست که محل نقد استاد کاتوزیان قرار دارد و در عرصه عمل در قالب مصادیقی همچون نازیسم و فاشیسم، تجارب تلخی برای بشریت و تاریخ به بار آورده است. نگارنده بر این اساس، دغدغه خاطر خویش مبنی بر گذار از کمال‌گرایی به اقتدارگرایی را مطرح کرد و پذیرش و شناسایی بایسته‌ها و الزامات حقوق عمومی مدرن را سازوکاری قلمداد نمود که مسیر این گذار را مسدود می‌نماید. بر این اساس نظام حقوقی حاکم بر دولت مقید به اخلاق یا مذهب باید ارزش‌های جمهوریت همچون حاکمیت قانون، تفکیک قوا، پاسخگویی، نظارت و تعادل، شفافیت، حق‌ها و آزادی‌های بنیادین شهروند را شناسایی و تضمین کند و از این طریق به اشاعه اخلاق در جامعه نیز یاری رساند. به‌زعم نگارنده، تحقق جامعه فضیلت‌مند با حکمرانی خوب ملازمه دارد و اداره صحیح منابع عمومی و تخصیص بهینه آنها به نیازهای عمومی و مدیریت کارآمد تضاد منافع میان اعضای جامعه سیاسی، به شهروند امکان زیست مکرم و فرصت تفکر درباره معنای زندگی و بهزیستی داده و ارتکاب رذیلت‌ها را کاهش خواهد داد.

تعارض منافع

تعارض منافع ندارم.

ORCID

Omid Shirzad



<https://orcid.org/0000-0002-8905-4886>

منابع

کتاب‌ها

- ارسطو، سیاست، ترجمه حمید عنایت (تهران: شرکت سهامی انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۱).
- امام خمینی، ولایت فقیه؛ حکومت اسلامی، چاپ بیست و چهارم (تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۹۰).
- انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، زندگی‌نامه و خدمات علمی و فرهنگی دکتر ناصر کاتوزیان، (تهران: چاپ سازمان چاپ و انتشارات دانشگاه پیام نور، ۱۳۸۴).
- بشیریه، حسین، آموزش دانش سیاسی؛ مبانی علم سیاست نظری و تأسیسی، چاپ یازدهم (تهران: نشر نگاه معاصر، ۱۳۹۳).
- تیلور، چارلز، زندگی فضیلت‌مند در عصر سکولار، ترجمه فرهنگ رجایی (تهران: نشر آگاه، ۱۳۹۳).
- جاوید، محمدجواد، مکاتب فلسفی حقوق (تهران: انتشارات خرسندی، ۱۳۹۷).
- حسینی بهشتی، علیرضا، بنیاد نظری سیاست در جوامع چندفرهنگی (تهران: انتشارات بقعه، ۱۳۸۰).
- حقیقت، صادق، مبانی اندیشه سیاسی در اسلام، چاپ دوم (قم: انتشارات دانشگاه مفید، ۱۳۹۳).
- راسخ، محمد، درس‌گفتارهای فلسفه حق و فلسفه حقوق عمومی (تهران: انتشارات خانه اندیشمندان علوم انسانی، ۱۳۹۴).
- راولز، جان، لیبرالیسم سیاسی، ترجمه موسی اکرمی (تهران: نشر ثالث، ۱۳۹۲).
- رحمت الهی حسین و امید شیرزاد، کمال‌گرایی و بی‌طرفی و آثار آن بر ساختار قدرت و حقوق عمومی، چاپ دوم (تهران: انتشارات مجد، ۱۳۹۸).
- رحمت الهی و احسان آقامحمدآقایی، حقوق طبیعی و حقوق موضوعه و آثار آن بر ساختار قدرت و حقوق عمومی (تهران: انتشارات مجد، ۱۳۹۷).
- رحمت الهی، حسین، تحول قدرت؛ دولت و حاکمیت از سپیده‌دمان تاریخ تا عصر جهانی شدن (تهران: نشر میزان، ۱۳۸۸).

- رحمت الهی، حسین، آقامحمد آقایی، احسان، نگاهی نو به مبانی حقوق عمومی (مفاهیم و ارزش‌ها) چاپ دوم (تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۴۰۰).
- شجاعی زند، علیرضا، دین در زمانه و زمینه مدرن، چاپ اول (تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۴).
- فتاحی زفرقندی، علی، مردم و حکومت اسلامی؛ با نگاهی به جایگاه مردم در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، چاپ سوم (تهران: انتشارات پژوهشگاه شورای نگهبان، ۱۳۹۴).
- کاتوزیان، ناصر، گامی به سوی عدالت، چاپ اول، جلد اول (تهران: انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۷۸).
- کاتوزیان، ناصر، گامی به سوی عدالت، چاپ اول، جلد دوم (تهران: انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۷۹).
- کاتوزیان، ناصر، اهمیت ذاتی قانون و فنون قانونگذاری، منتشر شده در مجموعه «معمای حاکمیت قانون در ایران»، زیر نظر عباس عبدی (تهران: انتشارات طرح نو، ۱۳۸۱).
- کاتوزیان، ناصر، مبانی حقوق عمومی، چاپ سوم (تهران: میزان، ۱۳۸۶).
- کاتوزیان، ناصر، مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران، چاپ چهل و ششم (تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۴).
- کاتوزیان، ناصر، فلسفه حقوق، چاپ اول، جلد اول (تعریف و ماهیت حقوق) (تهران: نشر گنج دانش، ۱۳۹۸).
- کاتوزیان، ناصر، فلسفه حقوق، چاپ دوم، جلد دوم (منابع حقوق) (تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۱).
- کاتوزیان، ناصر، توجیه و نقد رویه قضایی، چاپ دوم (تهران: نشر میزان، ۱۳۸۱).
- کیملیکا، ویل، درآمدی بر فلسفه سیاسی معاصر، چاپ اول، ترجمه میثم بادامچی و محمد مباحثی (تهران: نشر نگاه معاصر، ۱۳۹۶).
- لاک، جان، نامه‌ای در باب تساهل، چاپ اول، ترجمه شیرزاد گلشاهی، (تهران: نشر نی، ۱۳۸۳).
- لیدمان، سون اریک، تاریخ عقاید سیاسی، ترجمه سعید مقدم (تهران: نشر اختران، ۱۳۸۱).

- مندوس، سوزان، بی طرفی در فلسفه اخلاق و فلسفه سیاسی، چاپ اول، ترجمه فاطمه سادات حسینی (قم: انتشارات کتاب طه، ۱۳۹۵).
- مشکات، محمد، «مبانی مردم سالاری دینی»، در: مجموعه مقالات ماهیت، ابعاد و مسائل مردم سالاری دینی، به اهتمام محمدباقر خرم شاد، چاپ اول، جلد اول (تهران: دفتر نشر معارف، ۱۳۸۵).
- موحد، محمدعلی، در هوای حق و عدالت؛ از حقوق طبیعی تا حقوق بشر، چاپ پنجم (تهران: نشر کارنامه، ۱۳۹۶).
- ویژه، محمدرضا، مبانی نظری و ساختار دولت حقوقی، چاپ اول (تهران: انتشارات جنگل، ۱۳۹۰).
- وینسنت، اندرو، نظریه های دولت، ترجمه حسین بشیریه، چاپ هشتم (تهران: نشر نی، ۱۳۹۱).

مقاله ها

- راسخ، محمد و محمدرضا رفیعی، «نسبت حکومت با زندگی مطلوب، نگرشی به رویکرد کمال گرایی»، فصلنامه حقوق اسلامی، سال هشتم، شماره ۳۰، (۱۳۹۰).
- کیملیکا، ویل، «جماعت گرایی»، ترجمه فرهاد مشتاق صفت، فصلنامه قیسات، شماره پنجم و ششم، (۱۳۷۶).

References

Books

- Aristotle, *Politics*, Translated by Hamid Enayat, First Edition (Tehran: Islamic Revolution Publishing and Education Joint Stock Corporation, 1992). [In Persian]
- Association of Cultural Works and Honors, *Biography and Scientific and Cultural Services of Dr. Naser Katouzian*, First Edition (Tehran: Printing and Publishing Organization of Payam Noor University, 2005). [In Persian]

- Bashirieh, Hossein, *Political Science Education; Foundations of Theoretical and Institutional Politics*, 11th Edition (Tehran: Negah Maaser, 2014). [In Persian]
 - Beheshti Hosseini, Alireza, *The theoretical Foundation of Politics in Multicultural Societies* (Tehran: Boqeh Publication, 2001). [In Persian]
 - Fatahi Zafarqandi, Ali, *People and Islamic Government; Looking at the Position of the People in the Constitution of the Islamic Republic of Iran*, Third Edition (Tehran: Guardian Council Research Institute Publications, 2015). [In Persian]
- Haqighat, Sadegh, *The Foundations of Political Thought in Islam*, Second Edition (Qom: Mofid University Publication, 2014). [In Persian]
- Hurka, Thomas, *Perfectionism* (New York: Oxford University Press, 1993).
 - Imam Khomeini, *Velayat Faqih; Islamic Government*, 24th edition (Tehran: Imam Khomeini's Works Editing and Publishing Institute, 2011). [In Persian]
 - Javid, Mohammad Javad, *Philosophical Schools of Law*, First Edition, (Tehran: Khorsandi Publications, 2018). [In Persian]
 - Katouzian, Naser, *A Step towards Justice*, First Edition, First Volume (Tehran: Publications of Faculty of Law and Political Sciences at Tehran University, 1999). [In Persian]
 - Katouzian, Naser, *A Step towards Justice*, First Edition, The Second Volume (Tehran: Publications of Faculty of Law and Political Sciences at Tehran University, 2000). [In Persian]
 - Katouzian, Naser, *The Foundations of Public Law*, Third Edition (Tehran: Mizan Publication, 2007). [In Persian]
 - Katouzian, Naser, *Justification and Criticism of Judicial Procedure*, Second Edition (Tehran: Mizan Publication, 2002). [In Persian]

- Katouzian, Naser, *Philosophy of Law*, First Edition, First Volume (Definition and Nature of Law) (Tehran: Ganj Danesh Publication, 2019). [In Persian]
- Katouzian, Naser, *Philosophy of Law*, First Edition, First Volume (Sources of Law) (Tehran: Ganj Danesh Publication, 2018). [In Persian]
- Katouzian, Naser, *The Inherent Importance of Law and Legislation Techniques*, Published in the Collection of "The Enigma of the Rule of Law in Iran", Under the Supervision of Abbas Abdi (Tehran: New Design Publications, 2002). [In Persian]
- Katouzian, Nasser, *Introduction to the Science of Law and Study in Iran's Legal System*, 46th Edition (Tehran: Sahami Publishing Corporation, 2005). [In Persian]
- Kymlika, Will, *An Introduction to the Contemporary Political Philosophy*, First Edition, Translated by Maysham Badamchi and Mohammad Mubasheri (Tehran: Negah Maaser, 2017). [In Persian]
- Liedman, Son Eric, *History of Political Opinions*, translated by Saeed Moghaddam, (Tehran: Akhtran Publishing House, 2002). [In Persian]
- Lock, John, *A Letter about Tolerance*, First Edition, Translated by Shirzad Golshahi (Tehran: Ney Publication, 2004). [In Persian]
- Mendos, Susan, *Neutrality in the Ethics Philosophy and Political Philosophy*, First Edition, Translated by Fateme Sadat Hosseini (Qom: Ketab Taha Publications, 2016). [In Persian]
- Meshkat, Mohammad, *Foundations of Religious Democracy*, In: Collection of Articles on the Nature, Dimensions and Issues of Religious Democracy, By Mohammad Bagher Khorramshad, First Edition, First Volume (Tehran: Maarif Publishing House, 2006). [In Persian]
- Movahed, Mohammad Ali, *Seeking to Right and Justice; From Natural Rights to Human Rights*, Fifth Edition (Tehran: Karnameh Publication, 2017). [In Persian]

- Rahmatollahi Hossein & Ehsan Agha Mohammad Aghaei, First Edition, *Natural Law and Positive Law and their Effects on the Power Structure and Public Law* (Tehran: Majd Publications, 2018). [In Persian]
- Rahmatollahi Hossein & Omid Shirzad, *Perfectionism and Neutrality and their Effects on the Power Structure and Public Law*, Second Edition (Tehran: Majd Publications, 2019). [In Persian]
- Rahmatollahi, Hossein, *Evolution of Power; Government and Sovereignty from the Dawn of History to the Age of Globalization*, First Edition (Tehran: Mizan Publishing, 2009). [In Persian]
- Rahmatollahi, Hossein, Agha Mohammad Aghaei, Ehsan, *A New Look at the foundations of Public Law (Concepts and Values)* 2nd Edition (Tehran: Sahami Publishing Corporation, 2021). [In Persian]
- Rasekh, Mohammad, *Lectures on the Philosophy of Right and Philosophy of Public Law*, First Edition (Tehran: House of Thinkers of Human Sciences, 2015). [In Persian]
- Rawls, John, *Political Liberalism*, Translated by Musa Akrami, (Tehran: Third Publication, 2013). [In Persian]
- Shujaizand, Alireza, *Religion in the Modern Context*, First Edition (Tehran: Humanities and Cultural Studies Institute, 2015). [In Persian]
- Taylor, Charles, *Virtuous Life in the Secular Age*, First Edition, Translated by Farhang Rajaei (Tehran: Agah Publication, 2014). [In Persian]
- Vije, Mohammad Reza, *Theoretical Foundations and Structure of the Legal State*, First Edition (Tehran: Jungle Publications, 2011). [In Persian]
- Vincent, Andrew, *State Theories*, Translated by Hossein Bashirieh, 8th Edition (Tehran: Ney Publication, 2012). [In Persian]
- Wall, Steven, *Liberalism, perfectionism and Restraint* (New York: Cambridge University Press, 1998).

Articles

- Cohen-Almagor, Raphael, *Between Neutrality and Perfectionism*, Canadian Journal of Law and Jurisprudence, Vol. VII, No. 2, (1994).
- Cohen-Almagor, Raphael, "Between Neutrality and Perfectionism", Canadian Journal of Law and Jurisprudence, Vol. VII, No. 2, (1994).
- Hurka, Thomas, *Perfectionism* (New York: Oxford University Press, 1993).
- Kymlicka, Will, *Communitarianism*, translated by Farhad Mushtaq-Safat, Qabsat Quarterly, No. 5 and 6, (1997).
- Rasekh, Mohammad & Mohammad Reza Rafiei, *The Relationship between Government and Good Life, An Attitude towards Perfectionism Approach*, Islamic Law Quarterly, Eighth year, Number 30, (2011). [In Persian]
- Wall, Steven, *Liberalism, Perfectionism and Restraint* (New York: Cambridge University Press, 1998).

استناد به این مقاله: شیرزاد، امید، (۱۴۰۲)، «مناسبات دولت و اخلاق در اندیشه استاد ناصر کاتوزیان»، پژوهش حقوق عمومی، ۲۴(۷۸)، ۲۵۵-۲۸۷. doi: 10.22054/QJPL.2022.66050.2736



The Quarterly Journal of Public Law Research © 2008 by Allameh Tabataba'i University Press is licensed under CC BY-NC 4.0.

